

نسخه‌های خطی نادر متعلق به کتابخانه دانشگاه لیدن پنج نمونه درخور چاپ عکسی - ۲

(طرح پیشنهادی برای مرکز پژوهشی میراث مکتوب تهران)

یوئپ لمیر*

ترجمه منوچهر پزشکی

۳. نسخه OR2402 لیدن

مختصر التصریف الملوکی^۱

تصحیح و چاپ این متن اهتمام ورزیده‌اند: هوبرگ (که ترجمه لاتینی متن را نیز ضمیمه کارش کرده است)،^۲ التّعسان،^۳ و هانی و الجراح.^۴ یادداشتی بر روی برگ نخست نسخه، بازگویی داده‌هایی مندرج در انجامه است که (تا به آخر آن) چنین است:^۵

و هذه النسخة جلیلة عظيمة المقدار لأنها بخط بن الخيام النحوی و مقابلة على نسخة بخط بن الجوالیقی المتوفی فی سنة ۴۶۵ و مقابلة ایضاً على نسخة بخط القاشانی النحوی المتوفی سنة.... كما هو مذکور فی اخرها

اثر داشمند نحوی ابن جنّی (د. ۳۹۲ هـ.ق) در موضوع صرف. نسخه تاریخ ندارد اما گمان می‌رود که در سده پنجم هجری استنساخ شده باشد. کاتب این نسخه ابن خیّام است که درباره او چیزی بیش از این نمی‌دانیم که نحوی بوده است (بنگرید گفتاورد عربی را چند سطر پایین‌تر). ۲۱ برگ. وضعیت نسخه عالی است. تخمین زده می‌شود که از بین تقریباً ۱۰ نسخه شناخته‌شده کتاب، این یک، کهن‌ترین باشد. تاکنون چند نفر به

* . Joep Lamieer. Leiden 2011.

۱. نک:

Witkam, *Inventory...*, vol. 3, 128; Voorhoev, op.cit., 231; Sezgin, op.cit., vol. 9 (Leiden, 1984), 178.

2. G. Hoberg (ed.), *Ibn Ginnii de Flexione libellus*. Leipzig, 1885.

3. M.S. al- *Na'sān* (ed.), al- Tasrif al- mulūkī. *San'at...* Ibn Jinni. Cairo, 1913.

۴. دمشق، ۱۹۷۰. سزگین از این چاپ یاد کرده است، اما من به آن دست نیافتم.

۵. نک: تصویر ۱۰.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هذه جملة من أصول التصريف تقرب تأملها ونقل الكلفة
على ملئ من الفائدة منها قليلة الألفاظ كثيرة المعاني
القول على ذلك
معنى قولنا التصريف هو أن تأتي بالحروف الأصول وتوضح قولنا الأصول
بالتصريف وفيها زيادة حرف أو تحريف ضرب من ضرور التغيير فذلك هو التصريف
فيها والتعريف فالحرف هو الضرب فهذا أمثال الطابعي فإن أزدت المضارع قلت
يُضْرَبُ أو اسم الفاعل قلت ضارب أو المفعول قلت مضروب أو المصدر قلت ضرباً
أو فعلاً ماضياً قلت ضربت وإن أزدت أن الفعل كان أكثر ولم يدع على وجه
المقابلة قلت ضارب فإن أزدت أنه استدعي الضرب قلت أنت تضرب فإن
أزدت أنه كثر الضرب وكثرة ذلك ضرب فإن أزدت أنه كان فيه الضرب
خاتمة

القسم الذي يجمع بين الضرب والاعتدال الكثرة في الأفعال من غير أن يكون في ذلك زيادة حرف أو تحريف
القول على ذلك

تصوير ١١. نسخة OR2402 ليدن، برگ 1b. آغاز مختصر تصريف الملوکی.



رضخامن الدراهم حتى جيل في فضحك مجروحاً ان لم يكن
 معه شعرا يبيد فعه ظرفه اعطوه ثلاثة الاف درهم
 فقال عبد الله بن اسحاق له ولقول ابيه في الامم عبد الله
 بن طاهره امطبع الشمس ان قوم بنا فقلت وبن
 ثلاثة الاف احزي قاك ويعطى ذلك فاخذ ستة
 درهم ٥ وحكى عن ابي بكر بن زيد اندك ان ابي
 في النور فقلت له ما اردت بقولك كذا ايجعل خطيب
 فقال ليس هذا اول قصيدي اولها حرام على من خطب
 وان يسام السام ما بيع الدهر ٥ وبعده كذا ايجعل
 البيت بلغ من اوله قراءة على الشيخ الاجل الامام ابي زكريا
 يحيى بن علي الخطيب التبريزي طال له بناءه هو موهوب بن احمد
 بن محمد بن الحسين بن ابي وسمع الشيخ ابو الفضل محمد بن ناصر
 بن محمد بن علي والشيخ ابو المشاهبة الله ابن محمد الفارسي
 وذلك في ربيع الاول من سنة اربع وتسعين واربعمائة
 بلغ من الاول في الاخر نقلاً وقراءة على الشيخ الامام ابي
 زكريا يحيى بن علي دام الله علوه ابو القاسم عبد الملك بن ابي بكر
 الغزالي و ابو الوفاء احمد بن محمد الواحد العبدي في القرنين
 وذلك في مدة اخرها صفر سنة احدى وخمسين مائة

تصوير ١٣. نسخه OR403 ليدن، برگ 430b اجازهای که خطیب تبریزی در سال ٤٩٤ هـ.ق. به شاگرد خویش، موهوب الجوالیقی، داده است (سطرهای ١٠-١٤).

نسخه، به قویترین احتمال، در بغداد نوشته شده است زیرا در نخستین صفحه آن اجازهای به چشم می خورد با همان تاریخ: ٥٢٢ هجری. این اجازه برای شخصی به نام ابومحمد الحسن بن حمزة بن محمد، و به دست دانشمند نامدار، موهوب بن الجوالیقی، نوشته شده است که در آن زمان می بایست سرآمد لغویون در نظامیه بغداد بوده باشد.^{١٤} با آگاهی از این که این اجازه به دست جوالیقی نگاشته شده، می توان انگاشت که این متن، به عنوان سندی قابل انتقال، طبق معیارهای نهادی همچون نظامیه بغداد در آن روزگار، از بالاترین کیفیت ممکن برخوردار بوده است. این که آیا نسخه از روی نسخه ای به خط ابن خالویه (د. ٣٧٠ هـ.)^{١٥} نحوی و فرهنگ نویسی

جوهر و قوتی و فحش اولی الوسی و انطانت شکره منوفا اما
 قبلها لایزال و اعلت الدم الاخره و انعم الله علی القبا لان العرب لایجمع برکة البر
 مؤالیز الاری النجید اولوی الهوی والنوی لکن الله فان تراخیا
 وانفصل بینهما جاز لجماعهم الخوقال فی صهلک و فی ایدوش ثوبک
 فنهرف اولی وایة جمیعاً و قوت ووشیت و الفیاء الفیاء
 الادعاء له فتم براسه
 عاصم بن اخطب
 امته الجبل التي افضت الى حاله والله التوفيق
 العاصم بن اخطب
 كاتبه
 والله اعلم
 والده الظاهر بن واخاه ابو انجبار المصنف و سلم
 نکلما اکتب
 (KAD)
 (LGGD BAY)
 (BIBL)

تصوير ١٢. نسخه OR2402 ليدن، برگ 21b. انجامة مختصر تصريف الملوکی.

٤. نسخه OR1070 ليدن كتاب الالفاظ (الکتابيه)

نسخه حاضر، با تاریخ کتابت ٥٢٢ هـ.^{١٦} چنین پیداست که کهن ترین نسخه کامل از کتاب الالفاظ (الکتابیه) اثر عبدالرحمن بن عیسی همدانی (د. ٣٢٠ هـ.) باشد. ١٣٣ برگ، وضعیت عالی. سراسر متن مشکول شده. به گواهی انجامة، ناسخ، احمد بن الوجیه (یا الوحید) نام دارد.

همدانی واژه شناس و ادیبی اهل همدان بود که سزگین این اثر و یک دیوان اشعار از آثار اوس دانسته است. اما ابن ندیم کتاب الالفاظ را می شناخته و ققطی آن را ستوده است.^{١٧} چنان که در صفحه عنوان آمده (برگ ١٢)، همدانی منشی دیوان بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف (د. ٢٨٥ هـ) بوده است.

١١. نک: ویتکام، همان، ج ٢، صص ٣١-٣٢؛ فورهوفه، همان، ص ١٠؛ سزگین، همان، ج ٨، ص ١٩٣.
 ١٢. نسخه ای که شیخو در مقدمه چاپ خودش از کتاب (بنگربید یادداشت پسین را) از آن یاد کرده و تاریخ پایان کتابت آن را ٥٢٢ هـ.ق. (همان تاریخ مندرج در نسخه OR1070 لیدن) می داند، ظاهراً از آن زمان مفقود است. ١٣. سزگین، همانجا.
 ١٤. درباره جوالیقی به صفحه های ٧ و ٨ و پانویست های آنها در مقاله حاضر (مختصر التصريف الملوکی) نگاه کنید. اجازه دیگری نیز به تاریخ ٥٢٢ هجری از جوالیقی وجود دارد (نک: تصویر ١٧، نسخه OR1070 لیدن، برگ 111b، حاشیه راست).
 ١٥. درباره ابن خالویه و آثار او، نک: سزگین، همان مأخذ، به ویژه ج ٨، ١٧٨-١٨٠، و ج ٩ (لیدن، ١٩٨٤)، ١٦٩-١٧١. این که ممکن است ابن خالویه معلم ناسخ بوده باشد، به لحاظ تاریخی غیرممکن است: نسخه در ٥٢٢ هـ.ق. استنساخ شده در حالی که ابن خالویه در ٣٧٠ هـ.ق. درگذشته است (نک: Witkam, Inventory..., vol. 2, 31).

مشهور استنساخ شده، یا پس از استنساخ از روی نسخه‌ای دیگر با آن مقابله شده است، احتمالاً هرگز دانسته نخواهد شد. گرچه واقعیت این است که ناسخ نسخه دست‌نوشته ابن خالویه را دیده است،^{۱۶} و این حکایت از نوع منابعی دارد که در نظامیه آن روزگار در دسترس بوده‌اند. این متن در سال ۱۸۸۵ میلادی به کوشش لویس شیخو به چاپ رسید و چایی دیگر از آن نیز با عنوانی نادرست در ۱۳۰۲ هجری (همان سال انتشار کار شیخو) در استانبول صورت گرفت. همچنین یک بار هم در ۱۹۳۱ میلادی در قاهره چاپ شد.^{۱۷}

این نسخه از چند روی جالب به شمار می‌آید:

ا. کهن‌ترین نسخه از تنها اثر منثور منسوب به همدانی است.

ب. همدانی نماینده‌ای از قلمرو پهناور فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید.

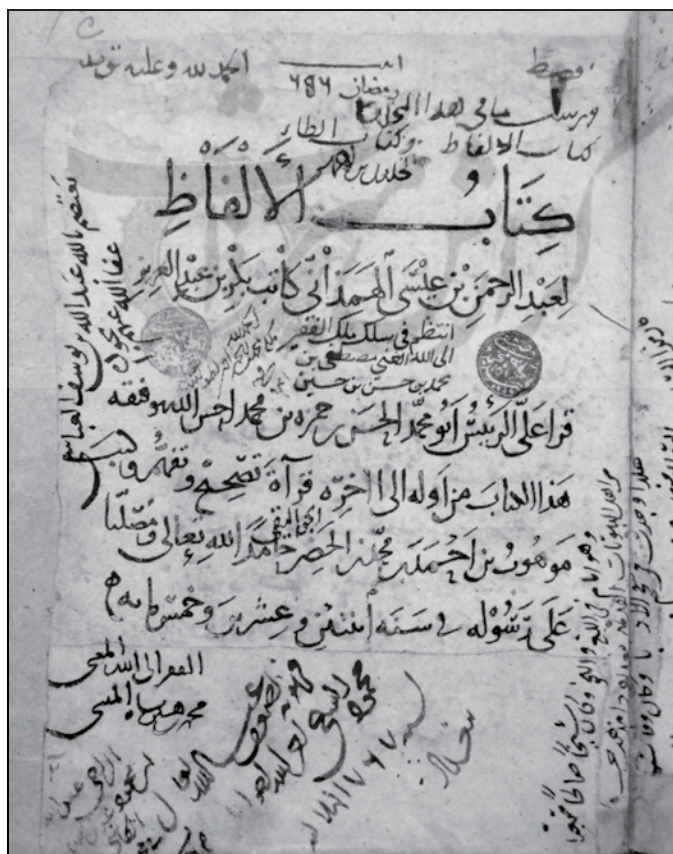
ج. نسخه در نظامیه بغداد استنساخ شده است.

د. به نظر می‌آید نسخه و «نمونه‌های» آن، منابع خوبی برای نظریه‌های متن‌شناسی انتقادی باشند: ابن جوالیقی و ابن خالویه.

هـ. اجازه‌نامه نگاشته به خط جوالیقی — که در آن زمان صدر لغویان نظامیه بغداد بوده — بر روی نسخه، گواهی است بر انطباق محتوای نسخه با دریافت او از این متن.

و. وضعیت نسخه عالی است.

اینک تصاویری چند از این نسخه:



تصویر ۱۴. نسخه OR 1070 لیدن، برگ 1c-a. صفحه عنوان، شامل عنوان، نام نویسنده، و اجازه‌هایی با نام‌های ابن جوالیقی و محمد... بن محمد، به تاریخ ۵۲۲ هجری.

۱۶. نک: نسخه OR 1070 لیدن، برگ 38a، حاشیه چپ، قابل رویت در تصویر ۱۶.
 ۱۷. کتاب الالفاظ الکتائیه، به تصحیح لویس شیخو بیروت: ۱۸۸۵م؛ کتاب الالفاظ الاشباه و النظائر لها للامام... عبدالرحمن... الانباری، مصحح ناشناس استانبول، ۱۳۰۲ هـ. ق؛ به چاپ قاهره دسترسی نیافتیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ نُوفِقِنَا لِلْحَمْدِ وَنَعَمَهُ مُضَافَةً مِنْهُ إِلَى سَائِرِ
 نِعَمِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَعَلَى
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِي
 الْمَهْدِيُّ كَاتِبُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الصَّنَاعِيُّ
 مُخْتَلَفَاتٌ وَلِهَذَا رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ أَنَّهَا مَرَّعٌ أَهْلُهُ وَشَرَفُهُ
 وَغَيْبُهُمْ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْكَانِزِ فِي كَرِيمِ الْمُنَاسِبِ وَشَرَفِ
 الْمُنَاصِبِ وَمِنْهَا مَا يَبِيعُ الْمُجْتَمِعُونَ بِهِ أَنْشَدَ لُغَةً وَجَمْعَهُمْ
 أَقْبَحَ الْجَمْعِ حَتَّى لَا يَكُونُوا إِلَّا جَمْعًا سِوَاهُمْ نَظْرًا عَيْنِي
 مَنزِلَةٌ وَلَا أَكْفَاءٌ فِي مَنَاجِقِهِ وَإِنْ كَانَ لِبَعْضِهِمْ قَدِيمٌ
 بِذِكْرِهِ وَابْنُ مَعْرُوفٍ يُسَمِّيهِ إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّةٌ كَمَا أَمَرَ الْمُحْسِنُ
 وَيُقَالُ لِلْأَسْرَانَةِ مَا خَسِنَتْ وَهَذِهِ الْكِتَابَةُ

38

أَخِي فَلَانٌ فَلَانًا وَقَدْ شَجِي فَلَانٌ هَذَا الْأَمْرُ وَشَرِيقُ
 بِهِ وَنَحْوَهُ ٥ وَالشَّجَا وَالشَّرْفُ وَالْعَصَةُ وَاجِدُ
 وَفَلَانٌ شَجَا فِي حَقِّ فَلَانٍ وَقَدْ كُنِيَ نِعْمَتُهُ إِذَا كَانَ
 عَلَيْهِ مِنْهُ نَقْلٌ وَكُلُّ شَجْوٍ فَلَانًا فَإِنَّا أَشَجْرُهُ
 أَيْ خَرَسَتْهُ وَأَشَجَّنَتْهُ أَشَجَّهُ اغْصَصْنَهُ ٥
 نَادَى بَعْضُ الْقَوْمِ
 أَصَابَهُمْ جَمَاعَةٌ وَالْجَمِيعُ الْمَجَاعَاتُ وَالْمَجَارِعُ وَخَصَّةُ
 وَالْجَمِيعُ خَامِضٌ وَأَزْمَةٌ وَالْجَمِيعُ أَرْبَابٌ وَأَزْمَةٌ
 وَأَزْمَانٌ وَشَنْتٌ وَأَشْنَانٌ وَسَيُونٌ وَجَمَّةٌ وَالْجَمِيعُ
 الْقَوْمُ وَجَدِبٌ وَالْجَمِيعُ جَدْوَيْتٌ وَخَلٌّ وَالْجَمِيعُ
 مَجْلُوكٌ وَأَرْكَكٌ وَلَا وَاعٌ وَلَا لَوْلَاءٌ وَبِأَسَاءٍ وَبُؤْسُ
 وَتَكَرَّرَ وَسَدِيدٌ وَسَدِيدٌ وَيُقَالُ مَكَدًا جَلِبَتِ
 الْقَوْمُ وَاجْطَلُوا وَاجْطَلُوا أَسْتَوُوا وَيُقَالُ هُمْ فِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ نُوفِقِنَا لِلْحَمْدِ وَنَعَمَهُ مُضَافَةً مِنْهُ إِلَى سَائِرِ
 نِعَمِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَعَلَى
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِي
 الْمَهْدِيُّ كَاتِبُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الصَّنَاعِيُّ
 مُخْتَلَفَاتٌ وَلِهَذَا رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ أَنَّهَا مَرَّعٌ أَهْلُهُ وَشَرَفُهُ
 وَغَيْبُهُمْ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْكَانِزِ فِي كَرِيمِ الْمُنَاسِبِ وَشَرَفِ
 الْمُنَاصِبِ وَمِنْهَا مَا يَبِيعُ الْمُجْتَمِعُونَ بِهِ أَنْشَدَ لُغَةً وَجَمْعَهُمْ
 أَقْبَحَ الْجَمْعِ حَتَّى لَا يَكُونُوا إِلَّا جَمْعًا سِوَاهُمْ نَظْرًا عَيْنِي
 مَنزِلَةٌ وَلَا أَكْفَاءٌ فِي مَنَاجِقِهِ وَإِنْ كَانَ لِبَعْضِهِمْ قَدِيمٌ
 بِذِكْرِهِ وَابْنُ مَعْرُوفٍ يُسَمِّيهِ إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّةٌ كَمَا أَمَرَ الْمُحْسِنُ
 وَيُقَالُ لِلْأَسْرَانَةِ مَا خَسِنَتْ وَهَذِهِ الْكِتَابَةُ

تصوير ١٦. نسخة OR 1070 ليدن، برگ 38a. یادداشت مقابله با نام ابن خالويه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ نُوفِقِنَا لِلْحَمْدِ وَنَعَمَهُ مُضَافَةً مِنْهُ إِلَى سَائِرِ
 نِعَمِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَعَلَى
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِي
 الْمَهْدِيُّ كَاتِبُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الصَّنَاعِيُّ
 مُخْتَلَفَاتٌ وَلِهَذَا رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ أَنَّهَا مَرَّعٌ أَهْلُهُ وَشَرَفُهُ
 وَغَيْبُهُمْ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْكَانِزِ فِي كَرِيمِ الْمُنَاسِبِ وَشَرَفِ
 الْمُنَاصِبِ وَمِنْهَا مَا يَبِيعُ الْمُجْتَمِعُونَ بِهِ أَنْشَدَ لُغَةً وَجَمْعَهُمْ
 أَقْبَحَ الْجَمْعِ حَتَّى لَا يَكُونُوا إِلَّا جَمْعًا سِوَاهُمْ نَظْرًا عَيْنِي
 مَنزِلَةٌ وَلَا أَكْفَاءٌ فِي مَنَاجِقِهِ وَإِنْ كَانَ لِبَعْضِهِمْ قَدِيمٌ
 بِذِكْرِهِ وَابْنُ مَعْرُوفٍ يُسَمِّيهِ إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّةٌ كَمَا أَمَرَ الْمُحْسِنُ
 وَيُقَالُ لِلْأَسْرَانَةِ مَا خَسِنَتْ وَهَذِهِ الْكِتَابَةُ

تصوير ١٥. نسخة OR 1070 ليدن، برگ 1c-b. عبارت آغازین کتاب الالفاظ.

عَيْنَهَا وَقَدْ مَرَّهَا بَيْنَ مَرَّةٍ مَرَّةً شَدِيدًا وَنُ
 ذَالِ الْخَبْرِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 بِأَعْيَاشِهِ أَيْ لِبَعْضِ الْمَرْأَةِ السَّلْتَاءِ الْمَرْفَعَاءِ بَعْضِي
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْخَبْرِيَّةِ فِي بَيْتِهَا وَلَا جَلْبُ
 عَيْنَهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ نُوفِقِنَا لِلْحَمْدِ وَنَعَمَهُ مُضَافَةً مِنْهُ إِلَى سَائِرِ
 نِعَمِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَعَلَى
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِي
 الْمَهْدِيُّ كَاتِبُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الصَّنَاعِيُّ
 مُخْتَلَفَاتٌ وَلِهَذَا رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ أَنَّهَا مَرَّعٌ أَهْلُهُ وَشَرَفُهُ
 وَغَيْبُهُمْ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْكَانِزِ فِي كَرِيمِ الْمُنَاسِبِ وَشَرَفِ
 الْمُنَاصِبِ وَمِنْهَا مَا يَبِيعُ الْمُجْتَمِعُونَ بِهِ أَنْشَدَ لُغَةً وَجَمْعَهُمْ
 أَقْبَحَ الْجَمْعِ حَتَّى لَا يَكُونُوا إِلَّا جَمْعًا سِوَاهُمْ نَظْرًا عَيْنِي
 مَنزِلَةٌ وَلَا أَكْفَاءٌ فِي مَنَاجِقِهِ وَإِنْ كَانَ لِبَعْضِهِمْ قَدِيمٌ
 بِذِكْرِهِ وَابْنُ مَعْرُوفٍ يُسَمِّيهِ إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّةٌ كَمَا أَمَرَ الْمُحْسِنُ
 وَيُقَالُ لِلْأَسْرَانَةِ مَا خَسِنَتْ وَهَذِهِ الْكِتَابَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ نُوفِقِنَا لِلْحَمْدِ وَنَعَمَهُ مُضَافَةً مِنْهُ إِلَى سَائِرِ
 نِعَمِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَعَلَى
 آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِي
 الْمَهْدِيُّ كَاتِبُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الصَّنَاعِيُّ
 مُخْتَلَفَاتٌ وَلِهَذَا رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ أَنَّهَا مَرَّعٌ أَهْلُهُ وَشَرَفُهُ
 وَغَيْبُهُمْ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْكَانِزِ فِي كَرِيمِ الْمُنَاسِبِ وَشَرَفِ
 الْمُنَاصِبِ وَمِنْهَا مَا يَبِيعُ الْمُجْتَمِعُونَ بِهِ أَنْشَدَ لُغَةً وَجَمْعَهُمْ
 أَقْبَحَ الْجَمْعِ حَتَّى لَا يَكُونُوا إِلَّا جَمْعًا سِوَاهُمْ نَظْرًا عَيْنِي
 مَنزِلَةٌ وَلَا أَكْفَاءٌ فِي مَنَاجِقِهِ وَإِنْ كَانَ لِبَعْضِهِمْ قَدِيمٌ
 بِذِكْرِهِ وَابْنُ مَعْرُوفٍ يُسَمِّيهِ إِلَيْهِ وَقَدْ قَالَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَمَّةٌ كَمَا أَمَرَ الْمُحْسِنُ
 وَيُقَالُ لِلْأَسْرَانَةِ مَا خَسِنَتْ وَهَذِهِ الْكِتَابَةُ

تصوير ١٧. نسخة OR 1070 ليدن، برگ 111b. انجامة با تاريخ ٥٢٢ هجری.



اینک تصاویری چند از نسخه:

۵. نسخهٔ OR 514 لیدن

کتاب مفاتیح العلوم^{۱۸}

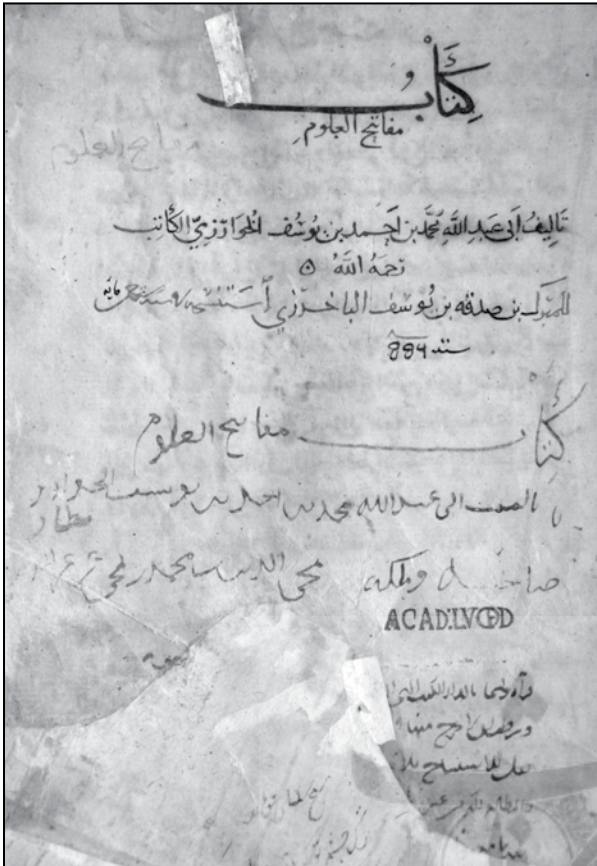
نخستین دائرةالمعارف به زبان عربی که در خور این نام است، نوشتهٔ محمد بن احمد الخوارزمی (زنده بین ۳۶۵ و ۳۸۷ هـ).^{۱۹} نسخه مورخ ۵۵۶ هـ. و دارای ۱۵۷ صفحه در ۷۹ برگ است. این نسخه مبنای نخستین و تنها چاپ محققانه از کتاب است که به کوشش فن فلوتن انجام گرفته^{۲۰} و احتمالاً کهن ترین نسخهٔ خطی موجود از این اثر است که تا به امروز شناخته شده. کتاب به ابوالحسن عبیدالله بن احمد العتبی، وزیر امیر سامانی، نوح دوم (۳۶۶-۳۸۷ هـ.ق)، پسر منصور، تقدیم شده است که ظاهراً خوارزمی در سمت کاتب دربار سامانیان در نیشاپور در خدمت او بوده است. از این قرار، کتاب در دورهٔ وزارت عتبی تألیف شده است. متن کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود که غالباً علوم نقلی (مقولهٔ اول، دانش‌های خاص اسلامی) و علوم عقلی (مقولهٔ دوم، دانش‌های یونانیان) خوانده می‌شوند.

سبب برگزیدن نسخه:

ا. کهن ترین نسخهٔ مورد استفادهٔ فن فلوتن در چاپ مفاتیح العلوم و احتمالاً تنها نسخهٔ به‌جامانده از میان نسخه‌های کهن این کتاب.

ب. نخستین دایرةالمعارف واقعی در زبان عربی به شمار است. ج. در دربار سامانیان در نیشاپور نوشته شده و به ابوالحسن عبیدالله بن احمد العتبی، وزیر امیر نوح دوم، پسر منصور سامانی، تقدیم شده است.

د. نویسنده خود اهل خوارزم یا بلخ بوده که هر دو از پایگاه‌های شناخته‌شده در قلمرو فرهنگی ایران در آن روزگار بوده‌اند. هـ. به استثناء چند برگ نخست که در قسمت پائین اندکی آسیب دیده‌اند، نسخه سالم است؛ به خطی خوانا نوشته و به خوبی مشکول شده است.



تصویر ۱۸. نسخهٔ OR 514 لیدن، صفحهٔ A (برگ 1a). صفحهٔ عنوان کتاب مفاتیح-العلوم.

۱۸. نک: فورهوفه، همان، ۱۷۶، ویتکام، Inventory..., vol. 1, 226.
۱۹. دربارهٔ خوارزمی نک:

A.I. Sabra, «al-Khārazmī», in: C.E. Bosworth et al. (ed.), *Encyclopédie de l'Islam*. Nouvelle Édition vol. 4 (Leiden, 1978), 1100a- 1101a.

20. G. van Vloten, *Liber mafātih al- olūm: liber explicans vocabula technical scientiarum tam Arabum quam peregrinorum* / auctore: Abū Abdallah + Mohammed ibn Ahmed in Jūsuf al-Kâtib al-Khowarezmi. Leiden, 1895.

١٥٦
 والبطولات والسكرات والوجوات والسعوط واللذات والذوات
الفصل السابع
 في اوزان الاطباء وما يكملهم
 ايطاقوس هو ثمان عشرة اوقية وقد ذكرت مقدار الاوقية في باب
 النسخ السسط البصري ربع وعشرون اوقية النظامية وعشرون
 رطلا فوطيل اثنا عشر شعون ثقالا والكوب ثلثة ابطال الكوز
 ستة اقساط البديقه وزن درهم النواه وزن ثلث مثقال ربع
 وواصل وزن لآله مثاقيل الجرحوزن ثلثي مثقال ططلون وزن
 اربع نويات قيراطوزن اربع شعيرات عندهم وهو شبه خرنوب شاي
 اللعنه من المعجرات اربعة مثاقيل الباقلاء يونانية وزن اربع
 وعشرين شعير بافلا مصرية وثلثي اوني اربعون شعير وهو اثنا
 عشر اونا بافلا اسكدرية تسعة قراريط ترمسه بيران كان
 برحلي ثمان وسبعون شعير كانا الكبر ثلاثة مثاقيل كما الصغير
 مثقالان ثلثي مثقال ونصف استرجه صغيره ثلث اواق
 استرجه كبيره سبع اواق الكنت ستة درجيات اليهوديه
 نصف قسط السميط اربعة اقساط طاليطون وزن مائه وخمسة
 وعشرون رطلا بالرطل الذي هو اثنا عشره اوقيه طواون سبع اواق
 وثلثي فوطول والتكرجه الكبيره اربعة مثاقيل النواه وزن
 خمسة دراهم كاس وزن ستة دراهم نصف الجوزه وزن اربعة مثاقيل

تصوير ٢٥. نسخة OR 514 ليدن، صفحة ٤٨ (برگ 25a). آغاز فصل اوزان و تکايل مورد استفاده در حرفه طبابت.

بش
 الحمد لله العلي العنا القادر الجليل الذي فضل الانسان على سائر المخلوقات
 خصه بمنحه تيميزه التمييز والطقن وجعله قادرا بعباده في الاخطار والقيم
 على حسب خطوته من العلوم والحكم فمن كان يدججه فيها فابرا
 وحله من اهلها بازر اكان غلامه قومه واجلاهم الله فبارك الله
 اجتناب الناس وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين ولما تميز
 الله عمه الشيخ الجليل السيد ابو الحسن عبيد الله بن احمد الحائلي الله تبارك
 واكرام الزمان بها على حبه العلم واهله وابوابه الى كليل طيله وايبلا
 قاصيم وداينهم عوايديره ومفصلة دغني نفسي المصنف كتاب
 باسمه التابه اعلاه الله يكون صلحا لمفاتيح العلوم واوابلا الصناعات
 مضمنا ما بين حال طيقه من التمام من الواضعات والاصطلاحات التي
 حلت منها اوزن على الكتب الكباره لعلم اللغة حتى ان اللغوي المبرز
 في الادب اذا نامل كتابا من الكتب التي صنعت في ابواب العلوم والحكمه
 ولم يكن قد صدرا من تلك الصلحه لم يفهم شيئا منه وكان
 كالأبي الاغم عند نظره فيه ويشال هذه الواضعات لفظه الاجه
 فانها عند اصحاب اللغة المره الواضحة من الجمع لا يبادون يعرفون
 غيرها وهي
 المذك
 في
 المخبير على خلاف
 ١٥٦

تصوير ١٩. نسخة OR 514 ليدن، صفحة ١ (برگ 1b). خطبة آغازين كتاب مفاتيح العلوم همراه با تقديم نامه کتاب به عتيبي (ابوالحسن عبيدالله بن احمد) در سطر ٧.

طنا واذ لك ان صير مثل المباحي حصول على الماء والشمع كل في قبول
 الاطعام ان يفتح سده فخطه مع زوجه فقال الغنه بالوقوف والتميم الايامه
 المخبير التي تصور على النار لا يخبز وقد فقه ذلك الاستنزاع الفحل
 اوله طير ليكنه ان يخرط من زوجه فخطه فخطه فخطه فخطه فخطه
 شعرا ذواب المنطقه على الاكسيرا الذي الذي الخاطب به الجسد المذاب
 جعله ذهبا او فضه او غيره الى الجياض والصفه. الجرح عندهم هو التي
 الذي يكون منه التسعه اجني الذي فعل منه الاكسيرا وهو صغار جبراني
 ومجدي وافضلها الجيواني وامثاله الشعرة والدم والبول واليسر والمالات
 والادمغه والانتان فالعندك والفرد الجود هذه كلها شعرة الانسان
 البيض او اسنات المعدني من الاجساد الذهب والفضه والاسنات الاكسيرا
 بوالقبي وحس الارواح الزويق والزرنيخ والكبريت والفساد قاله الزريق
 نفس البياض والكبريت نفس الجيرة والزويق زوجهما جيجا والاكسيرا
 مركب من حديد وزوج من فركاب سفاتيح العلوم من
 والمحمد رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وعلى آل محمد الطاهرين
 واصحابه المحسن وعلمنا معهم بتمك بالرحم الراجح وحسنا الله ونعم الوكيل
 وافق الاربعة منه في سادس عشر برنس
 سنة ست وخمسين واربعمائة

تصوير ٢١. نسخة OR 514 ليدن، صفحة ١٥٧ (برگ 79a). انجامة نسخه با تاريخ ٥٥٦ هجری.

